بسم الله الرحمن الرحیم

سوره ی مبارکه کوثر

پیاده نوار : فاطمه سعیدی

تایپ : زکیه شاوردی و المیرا سالاری

چرا ثنا قید دارد ولی صلو قید ندارد؟

صلو ثنای مطلق بدون قید است که قید نداشتن آن تعریف آن است اگر صلو ثنای جمیل اختیاری شود معنای حمد پیدا میکند ودیگر معنای حمد نمی دهد.

کلیات سوره ی کوثر: عطای کوثر به پیامبر و ابتر بودن کسی که با پیامبر ارتباطی ندارد و از همین واژه جهت مذمت افرادی که به دنبال دنیا هستند استفاده می شود.

در سوره ی تکاثر نشان میدهد که یک چرخش کوتاه در زندگی انسان چقدر میتواند انسان را از حقایق دور کند

در آیه 5 سوره تکاثر علت چرخش و چرایی انحراف و اینکه چگونه می توان جلوی انحراف را گرفت توضیح داده شده است.

و اما سوره ی کوثر:

قصدی که در این درس هست این هست که با محوریت واژه میخواهد تدبر را عمق دهد.

ابتدا مفاهیم ابتدایی سوره را یادداشت کرده 1. اول گذاره نویسی ساده میکنیم

الف:خداوند کوثر را به پیامبر عطاکرد

ب:پیامبر در ازای اعطای کوثر امر به نماز و نحر شد

ج:هرکس دشمن پیامبر باشد ابتراست.

د:دشمن پیامبر معادل محرومیت از کوثر است.

ه:خداوند است که عطا میکند.

و:عطاکننده باید دارا باشد.

ی:پیامبر برای اعطای کوثر لیاقت یافته است. خود یافتن لیاقت هم عطاست خود لیاقت یافتن هم میتواند کوثر باشد.

ط:ضرورت شکرگزاری نسبت به نعمت الهی (اینجا کوثر)فهمیده می شود.

ظ:سنخ شکرگزاری باید متناسب با نعمت باشد.

ص:جنس کوثر در حد نماز و نحر است (تناسب این 3 تا)

ع:همیشه نعمت بالاتر از شکرنعمت است.

غ:دوستی با پیامبر معادل اتصال به کوثر است.

ف:شان کوثر شان ربوبی است.

چون انا (همانا ما) مقام ظهور صفات اسما پروردگار است شان ربوبی گفته می شود.

وقتی یک گزاره + و یکی – می آید دلیل بر حصر

گزاره دارد . اعطای کوثر + و ابتر بودن \_ است این یعنی حصر

ق:اعطای کوثر به پیامبر باعث جاودانگی ایشان شده است.

ک:تنها راه اتصال به کوثر دوستی با پیامبر است

گ:همانطو ر که به پیامبر به خاطر کوثر به نماز و نحر توصیه شده است اتصال به پیامبر نیز باعث انتقال توحید و نماز و نحر میشود.

اعطای کوثر مقدم بر صل و نحر است

سوال: چرا ابتدا صل آمده است بعد نحر؟ اینجا خیلی صریح نمیتوان گفت چون با (و) آمده است اگر الزاما میخواست تقدم و ناخر رابیاورد با (ف) یا با (ثم) باید می آورد مثل سوره ی مدثر

2.مفاهیم سوره را با استفاده از واژه ها معنی کرده(تدبر کرده)

عطا:کسی چیزی را به کسی داده با مقتضای حکمت و عظمتی که خود دارد

کوثر: از کثر می آید و کوثربا (و) به معنای زیادی که وحدت و یکپارچگی دارد و اتصال و پیوستگی دارد

کوثر: جمع شدن این زیادی و تکاثر به معنی پخش شدن این زیادی است

بعضی در مورد کوثر خیرزیادی و بعضی دیگر ارزش زیادی را گفته اند.

کوثر مثل فطرت انسان است همه انسانها فطرت دارند در هر جا که باشند یکپارچه اند اگر خوب است همه خوب اند

ولی چون انواع و اقسام دارند واگرایی دارند

سوره کوثر اغلب واژه هایش منفرد است و در جای دیگر نیامده : نحر شان ابتر

صل: عبادتی که همراه با ثناست

نحر:قربانی کردن

شان: دشمنی و دورکردن

ابتر :جداشدن

واما برداشت نکات سوره: 1:عطای کوثر به صفات حکمت و عظمت خداوند برمیگردد

2:در کوثر حکمت و عظمت نهفته است (حکمت مقدم بر عظمت است) صفات دیگر خداوند را که مقدم بر عظمت است را هم میتوان آورد

سوال؟ مگر صفات خداوند عین ذات خدا نیست پس مقدم بودن صفات بر هم چه معنی دارد؟

اسما جنبه ی سببی بودن را دارد و خود خداوند اسما را خلق کرده است برای اینکه در عالم ایجاد خلق و رحمت کند اسما مخلوقات خداست . حکیک سبب حکمت است و تکثر هم پیدا میکند

عطا در قرآن سوره ی ضحی: مربوط به پیامبر است

عطی در (فاما من اعطی و تقی ): مربوط به متقی لست که خودش اعطا میکند . مربوط به بهشت و جهنم

در هر جا در مورد عطا حکمت و عظمت وجود دارد .

مصداق کوثر: نسل پیامبر :ما به تو نسلی شکوهمند دادیم و قرآن هر دو اختصاصی است و فقط به پیامبر داده شده است میتوانند به آن متصل شوند یا نشوند.

دشمن پیامبر حتما مقطوع النسل است اگر چه دارای فرزند باشد یعنی مقطوع الشجره اند بدون جریان اند یک جا نسل اینها قطع میشود به معنی بچه نداشتن نیست

3. به عنوان یکی از مصادیق کوثر در این سوره نسل قابل مطالعه است جریان نسل پیامبر دایمی است و شان او نسل منقطع دارد

4. دو امتحان نماز به عنوان رفع نقص و نحر به عنوان تخلیه به پیامبر و غیر شان او داده شده است تا از کوثر بهره مندی حاصل شود این 2 امتحان موجب تقرب به خدا و رفع نواقص است

5. عطای کوثر از مصادیق ربوبیت است

شان : دشمن مقدمه دشمنی دشمن: باید یک هدف دفعی داشته باشد . دشمنی: آن را خلاف مصلحت خود میداند(مقدمه) لازمه:کینه دوست نداشتن برخورد بد اعتراض نتیجه: دوری و جداشدن کامل

ابتر : باید یک جریان باشد تا از آن جداشود مقدمه:اتصال به جریان لازمه:عدم اتصال و جداشدن از جریان و نتیجه: جداشدن کامل از خیر

6. ابتر شاخصه ی جداشدن از پیامبر است

کوثر:جریان خیر کوثر عبارت است از جریانی که خیر است و قطع شدن از ان دور شدن از حکمت و رحمت الهی است (جریان از ابتر گرفته شده است)

کوثر: وسیله ای برای احراز اتصال به پیامبر

سوال؟ بهره مندی دیگران از کوثر لازمه صل و نحر است یا به میزان صل و نحر به ما داده؟

به پیامبر قرآن و اسلام عطا شده باید انرا بخواند و عمل کند وکسی که مخالف او باشد از قران و پیامبر جداست کسی که به پیامبر اتصال داشته باشد باید به قران عمل کند رسالت به پیامبر عطاشد پیامبر وظیفه ی حاکم کردن دین خدارا بر عهده داشت دیگران یا شانه اند یعنی جدا از پیامبرند یا ظرفدار اویند مردم هم چه به دین و چه به پیامبر متصل باشند یکی است (کوثر:وحدت)

ما از حیث تابعیت از پیامبر صل و نحر کرده و از درون صل و نحر میتوان امامت را بیرون کشید ولی با حد وسط گفتن امر صل و نحر به پیامبر مثل امر صل و نحر به امام است

7:پیامبر امام کوثر است یعنی پیشروست

8:کوثر عطایی است به پیامبر که با پیامبری ایشان منطبق است پس اتصال به پیامبر اتصال به پیامبریت اوست

ممکن است یک نفر مثل پسر حضرت نوح جزنسل پیامبر باشد ولی اهل پیامبر نباشد

9:اهلیت مطرح میباشد شاخصه ی اهلیت نماز و نحر است

10:شاخصه ی ابتریت مبارزه با نماز و نحر است

رسول یعنی فرستاده ی خدا فرزند نوح اتصالی به پیامبری نوح نداشت و ابتر شد

سوره ی تکاثر

بحث واژه خیلی نمیتواند سطح فهم را بالا ببرد البته در این مورد 3گروه نظریه داده اند یکی گفته است خیلی بستگی دارد یکی دیگر گفته است بستگی دارد و گروه سوم هم گفته اند خیلی بستگی ندارد

گزاره های منطبق بر واژه و گزاره های ظاهری از ایات خیلی نبلید از هم فاصله داشته باشند با ورود به واژه ها قدرت گزاره نویسی افزایش میابد

تکاثر چیز خوبی نیست بد است.

گزاره های ظاهری 1:این صفت بد تکاثر انسانها را به لهو میکشاند و غفلتی عارض میکند که افراد را تا گور بدرقه میکند پس مقابل با علم است و خشک کننده ی علم است

2:انواع علم : علم الیقین و عین الیقین اگر علم الیقین وجود داشته باشد رویت جحیم حاصل میشود .

3:دوری از تکتثر موجب شکوفایی علم میشود و اگر این علم به حد یقین برسد رویت جحیم روی میدهد

4:تکاثر مانع رویت جحیم میشود

5:جحیم موجود است

6:انسان برای رسیدن به یقین دارای امکانات یعنی نعیم است

مراتب:اول علم الیقین بعد عین الیقین و بعد حق الیقین مثال : جایی اتش گرفته و دود گرفته : دیدن دود معادل علم الیقین است خودمان در اتش باشیم :عین الیقین است و سوختن در اتش : حق الیقین

اگر الان علم الیین پیدا نکنیم بعدا یک زمانی با عین الیقین جحیم را درک میکنیم کسی که جهنمی نباشد علم الیقین دارد و کسی که اهل انجا باشد عین الیقین دارد.

عین الیقین در قیامت ومخصوص جهنمی ها است و نیاز به مقدمات علمی ندارد. علم الیقین اتفاقی است که در فرد رخ می دهد و ادراکش تحول پیدا می کند.

تکاثر صفت بدی است بدانید اگر صفت بد را کنار نگذارید به بلا های مختلف دچار می شوید و باید از تکاثر دست بردارید اگر دست بر نداشتید و به یقین نرسیدید روزی با چشم های خود دیده و یقین پیدا کرده که از تکاثر بوده است.

گذاره با جهنم معنای واژه : 1. کثرتی که محدودیت دارد و به خاطرمحدودیت آن یک مسابقه کاذب است و فرد را تصاحب می کند وتا لب گور هم می کشاند و احساس می کند اگر تعدادش کمتر باشد باخته است به همین دلیل مرده هایش را هم حساب کرده است.

2. پایه تکاثر نعمت است و جهت نعمت اگر به سمت پیامبر و صل و نحر برود و خیر کثیر به سمت کوثر رفتهاگر به سمت لهو برود به یمت تکاثر رفته است.

3. در تکاثر محدودیت هم است.

4. استمرار کثرت در تعلقات دنیوی یعنی تکاثر تعلق و استمرار در تعلق و فاصله ایجاد می کند.

5. اعتیاد آور است و خسران در آن است.

واژه یک سری مقدمات و لوازم و نتایج دارد. در تکاثر زیاد بودن است و زیاد بودنی که حالت سراب دارد چون یک چیز دیگری وجود دارد آن زیاد است یعنی نسبت دارد.

6. کثرت در تکاثر ذاتی نیست به نسبت زیاد است. توهمی است.

کوثر کثرت ذاتی است و تکاثر کثرت نسبی است.

هر چیزی که با جا به جایی و نقل و انتقال چراغش یکدفعه خاموش یا روشن شده است تکاثر است.

اگر نسبت زوال یافتن به نعمت بدهیم تکاثر کرده ایم و اگر نسبت ندهیم کوثر است.

تکاثر کمال نمی آورد بلکه زوال آور است.....